

اول امنیت

بی تردید تصمیم و اجرای طرح افزایش قیمت بنزین در بین مردم ناخوشایند بوده و موجب ضرر، نگرانی و احساس ضرر در بین اقشاری از جامعه می‌شود که ابراز نارضایتی و حتی اعتراض به آن واکنشی طبیعی به حساب می‌آید و انتظار می‌رود از سوی مسئولان مرتب‌نیز شنیده و آنجایی که به حق و منطقی است در اصلاح این طرح لحاظ شود.

اما با مداخله عناصری از پادوهای بیگانه و ضدانقلاب و همچنین فرصت‌طلبی برخی از افراد ششروز و ماجراجو برای موج سواری بر این اعتراضات، در روزهای اخیر شاهد اقدامات خشن و خسارت‌هایی بودیم که ضمن تخریب و ویرانی اماکن و تأسیسات عمومی و خصوصی موجبات کشته و زخمی شدن عده‌ای را فراهم و با الحراف در مسیر اعتراضات آن را تبدیل به آشوب‌هایی کردند که طمع جانیانی چون سران کاخ سفید، آل سعود و صهیونیست‌ها را برای حمایت از آشوبگران برانگیخت.

فعال شدن شبکه‌های متصل به جریان منحن سلطنت‌طلبی و منافقین علاوه بر استعمار بخشی، کشته‌سازی، خشن و خونین کردن و هدایت آن به سمت تخریب و ویرانی و همچنین شعارهای ساختار شکنانه و اهانت‌به مقدسات را دنبال کرده و به تعداد زیادی از اماکن تولیدی و خودروها و فروشگاه‌ها، بانک‌ها و ادارات دولتی و وسایل نقلیه عمومی و حتی امدادی حمله و بسیاری را به آتش کشیده و نابود ساختند.

بازتاب ماهیت شروانه، ضددینی و میهنی این شبکه‌ها در رفتار عناصر متصل به آن، با تابان پایه بود که حتی به مساجد و حوزه‌های علمیه نیز رحم نکرده و شهروندان و شهروندان را طوهار و نمادهای مذهبی را نیز مورد جسارت و هتاک قرار می‌دادند و خاطره ضدانقلاب دهه ۶۰ را جریان تورسم تکفیری در سوریه و عراق را تداعی می‌کردند.

در مواجهه با چنین وضعیتی است که شاهد صدور بی‌بیهوشی توسط وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران هستیم که بر دفاع از امنیت کشور و راه بر خودر باه‌گونه شرارت و فرصت‌طلبی تأکید و با تشکر از بصیرت و هوشیاری مردم در حوادث اخیر و منزوی سازی اشراز و عناصر ضد انقلابی، اعلام داشته‌اند؛ با هر گونه ناامنی و اقدامات مغل آشپاش و آراش بر خودر قاطع خواهند داشت. صدور این بی‌بانه‌ها به این معناست که ۱- پس از سپری شدن چند روز از حوادث و برملاشدن ماهیت ششروانه و ضد انقلابی، عناصری که عمدتاً تخریب و ویرانی و خشونت را دنبال و امنیت کشور را هدف گرفته‌اند، خویشنداری و صبر نیروهای مدافع انقلاب و امنیت به پایان آمده و زمان مقابله و به کارگیری مشت آهنین فرا رسیده‌است.

۲- با فاصله گرفتن مردم از صف عناصر ششروز و فرصت‌طلب که حاصل عملکرد زشت و خشن این عناصر و هوشیاری و بصیرت مردم است فضا و مجال بر خودر با عوامل مغل امنیت و آراش کشور فراهم شده و حجت اقدامات مقابله‌ای نیز به پایان رسیده‌است.

۳- صوری و خویشنداری مدافعان در برابر شرارت‌ها نباید حمل بر ضعف دفاعی نظام شده و زمینه‌ساز تداوم ناامنی‌ها و خسارت‌ها و جنایتی شود که جبران آن روند پیشرفت کشور و بازنگری مردم را مختل کند. بدیهی است هر گونه اقدام اصلاحی بر اساس اعتراضات مردم مستلزم فضای آرام و امن هست که ضرورت دارد هر چه زودتر به کشور برگشته و روند خسارت را متوقف و زمینه تعامل و گفت‌وگوی سازنده را فراهم کند. به عبارتی اولویت اول کشور امنیت است که می‌تواند زمینه‌ساز هر اقدام جبرانی و اصلاحی لازم به حساب آید.

بخش آخر

عباس سلیمی نمین:

اقدام بر خی سیاسیون فرست طلبی بود

یک کارشناس مسائل سیاسی درباره استعفای برخی نمایندگان مجلس در روزهای گذشته گفت: نماینده‌ای که چندگانگی را به نمایش می‌گذارد به فکر منافع ملی نیست و فرصت‌طلب محض است.

عباس سلیمی نمین، کارشناس مسائل سیاسی در گفت‌وگو با ستیپم، در تحلیل اقدام اخیر چند تن از نمایندگان مجلس در استعفا به خاطر سه‌می‌بندی بنزین، اظهار داشت: مجلس در آستانه انتخابات قرار دارد و همین موجب می‌شود بعضاً نمایندگان اقداماتی را دنبال کنند که به‌هیچ وجه با مصالح عمومی تطابق ندارد و صرفاً با منافع شخصی منطبق است. همین اقدام اخیر که از جانب برخی نیروهای اصلاح‌طلب انجام شد یک فرصت‌طلبی محض محسوب می‌شود و در شرایطی که ماباید یک مأمور هی و هم‌راهی برای اجرایی شدن یک تصمیم کلان را اشاعده باشیم، دم از اختلاف و چندسنگی بزنند.

وی افزود: اقدام نمایندگان محترمی که استعفا دادند گرچه حائز اهمیت نیست ولی اگر تدبیر رهبری نبود، طبیعتاً تبعات آن بسیار مخرب و شکننده می‌شد.

سلیمی نمین تصریح کرد: متأسفانه نماینده‌ای که در این شرایط موجب چندگانگی را به نمایش می‌گذارد، اصلاً به فکر منافع ملی نیست و صرفاً به دنبال این است که در انتخابات بعدی از طریق یک نوع عوام‌فریبی رای بیابود که فکر می‌کند از این قضیه هم بهره‌ای نخواهد برد چرا که همه جامعه به رغم عدم دقت‌ها در انتخاب شیوه اجرای این طرح، حساسیت‌ها را درک و صفوف خودشان را بلافاصله از عناصر شورو بالفطره و اشزاری که مأموریتی می‌پذیرند جدا می‌کنند اما اگر نماینده‌ای این کار را نکند برای‌ش حاصل انتخاباتی که هم‌به‌ار نخواهد آورد. سلیمی نمین با طرح این موضوع که چرا حرف رهبری در جامعه مورد اعتماد قرار می‌گیرد، اظهار داشت: با وجود اینکه رهبر انقلاب در این زمینه مستقیماً دخالتی نکردند و خودشان مسائل کارشناسی را پیگیری نکردند اما به کار کارشناسی شده دولت اعتماد می‌کنند و برای اینکه دولت موفق بشود با همه‌ی‌وجود به صحنه می‌آیند و از کاری که در کارشناسی دولتی انجام شده مناسبت‌ها را می‌کنند و اصلاً این ملاحظات را در نظر نمی‌گیرند که جامعه به‌شدت از کار روحانی عصبانی است و منفعت شخصی حکم می‌کند انسان سکوت کند ولی می‌بیند که ایشان برای منافع جامعه‌از خودشان هزینه می‌کنند تا انسجام سیاسی مجدداً برقرار شود و دشمن ماکم بماند. این درحالی بود که برخی دولتمردان ما حاضر نشدند در روزهای اول از خودشان هزینه‌ای پرداخت کنند.

این کارشناس مسائل سیاسی در پایان تصریح کرد: از این رفتار رهبری می‌توان ملاحظه‌هایی برای سنجش صداقت و اخ خودگذشتگی انسان‌ها به‌دست آورد. فداکاری رهبری در اوج خودش قرار دارد و آقایانی که سال‌ها از بغل روحانی منتفع شدند به محض اینکه می‌بینند نفع‌شان در ایحاد به‌دگانی است، فرصت را برای دشمن فراهم می‌کنند و به دشمن فرصت و امنیت‌وری می‌دهند در حالی که باید مانع از به نمایش در آمدن اختلافات شد و وحدت و یکپارچگی را دنبال کرد.

عبدالرضا داوری با داشت شد

عبدالرضا داوری در رابطه با پی‌ورنده آمد نیوز با‌داشت شد. به گزارش فارس، عبدالرضا داوری از نزدیکان به جریان اجرایی بازداشت شد. بر اساس پیکیری‌ها، این فرد در خصوص پرونده آمد نیوز از سوی یکی از ضابطان قوه قضائیه بازداشت شده‌است. بر اساس اعلام مسئولان این پرونده، اطلاعات جدید و قابل توجهی از پرونده روح‌الله زم کسب شده است.

روز گذشته غلامحسین اسماعیلی، سخنگوی قوه‌قضائیه در نشست خبری خود گفته بود که مستندات خوبی از روح‌الله زم مدیر شبکه آمدنیوز به دست آمده‌است. داوری پیش از این در خرداد سال ۹۶ برای تحمل حبس به مدت سه‌سال بازداشت شد اما سرانجام در شهریور ماه سال ۹۷ و پس از نقض حکم صادر شده از سوی دیوان عالی کشور آزاد شد.

۲ جوان

گزارش

مردم آتش‌اشرار را خاموش کردند

**گروه‌هایی از مردم به شیوه اجرای طرح مدیریت مصرف سوخت معترضند، گلابه دارند و شکایت دارند؛ اعتراضی به بی‌تدبیری، شکایت از ناکار آمدی و گلابه از کار نابلدی. اما این اعتراض و گلابه مجوزی برای آشوب، اغتشاش و تخریب اموال عمومی و توسل به برخورد‌های خشن نیست. همین مرز اعتراض و اغتشاش باعث شد، به سرعت صف مردم معترض از جماعت آشوب طلب و اغتشاش‌گر جدا شود؛ آشوبی که دشمنان امید بسته بودند به بحرانی بزرگ‌تر تبدیل شود، با حضور مردم خفه شد و به خاموشی گرا یید. اعتراضات به حق مردمی، گرچه همچنان محفوظ است اما صدای آنها در میان مشتئی ضدانقلاب اجیر شده دستگاه‌های امنیتی دشمنان منطقه‌ای و بین‌المللی شد. کم‌نبراین ملت معترض تصمیم گرفتند صحنه اعتراض خود را ترک کنند تا زمینه اغتشاش پادوهای سلطنت‌طلبان و منافقین بر چیده شود.
کما اینکه مجال ضد انقلاب از آنها سلب شد و آراش به مناطق درگیر باز گشت. رهبر معظم انقلاب یک‌شنبه هفته جاری در جلسه درس خارج فقه تصریح کردند: «بقینا بعضی از مردم از این تصمیم با نگران می‌شوند یا ناراحت می‌شوند یا به ضررشان است یا خیال می‌کنند به ضررشان است، به هر تقدیر نرازی می‌شوند، لکن آتش زدن فلان بانک کار مردم نیست، این کار اشراز است؛ به این باید توجه داشت. در یک چنین حوادثی معمولاً اشراز، کینه‌ورزان، انسان‌های ناپا و رد میدان می‌شوند، گاهی بعضی از جوان‌ها هم از روی هیجان با اینها همراهی می‌کنند و این‌ جور مفاسد را به بار می‌آورند؛ این مفاسد هیچ مشکلی را درست نمی‌کند جز اینکه علاوه بر هر شکلی که هست، نامی را هم اضافه می‌کند. مائکتی به بزرگ‌ترین مصیبت برای هر کشوری است، برای هر جامعه‌ای است؛ اینها فقدانش این است.**

مردم ایران اسلامی با موقع شناسایی و درک این واقعیت که دشمن زخمی‌خورده، در کمین نشسته تا بار دیگرویی مطالبات قانونی و به‌حق آنها موج سواری کند، بلافاصله مریزندی خود را از سر گرفته کم‌تعداد اما خشن جدا کردند. حضور مسئولان و با بصیرت مردم در استان‌های مختلف از جمله همدان، زنجان، آذربایجان شرقی و چهارمحال و بختیاری نمونه‌ای از این بصیرت مردمی است که موج این مریزندی در حال تشری به دیگر استان‌های کشور است.

قیام تبریز

یک روز پس از حماسه زنجانی‌ها، تبریزی‌ها در حمایت از امنیت و اقتدار جمهوری اسلامی، با سر دادن شعار، خود را گوش به فرمان رهبری دانسته و از اقدام آشوبگران و حامیان خارجی آنان اعلام رجز کردند. راهپیمایان در این مراسم پرشکوه، امنیت و آرامش کشور را خط قرمز مردم آذربایجان دانستند و خواستار اقدام جدی و مؤثر دولت در رفع نگرانی مردم شدند. شرکت‌کنندگان در راهپیمایی تبریز شعار «اعتراض حق مرد، اغتشاش کار دشمن»، «تنهارا ه‌راهایی اطاعت از رهبری است، سردانند. تجمع‌کنندگان همچنین در طول مراسم با تر بن کردن کفن و سر دادن شعارهای «مرگ بر آشوبگر،

خبر

پایگاه

سرپرین سیاسی، ۸۴۹۸۴۳

اعتراضی که فرو خورده شد تا فتنه‌ای خفه شود

مردم آتش‌اشرار را خاموش کردند

همه را در آورده است، هم مانع گرانی سه برابری بنزین می‌شوند و هم به اغتشاشات خیابانی پایان می‌دهند. با این حال، رهبر انقلاب چنین نکردند و سؤال اینجاست که چرا؟ برای یافتن پاسخ سؤال، ابتدا باید لب کلام رهبر انقلاب را وا‌اکاوی کرد. رهبری، ضمن اعلام اینکه نسبت به طرح مورد مناقشه دارای نظر کارشناسی نیستند، بنا را بر اعتماد به تصمیم سران قوا می‌گذارند.

شاید این سؤال مطرح شود که آیا بهتر نبود رهبری در حالی که خود به نظر کارشناسی نرسیده‌اند و دولت نیز در شش سال گذشته عملکرد مطمئنی در اقتصاد از خود نشان ن‌داده، جانب احتیاط پیشه می‌کردند و برای جلوگیری از ضررهای احتمالی طرح، دستور به لغو آن می‌دادند؟ آن هم در شرایطی که زمینه‌های پذیرش اجتماعی چنین دستوری از سوی ایشان، بسپاری بود و هیچ هزینه‌ای را هم به رهبری تحمیل نمی‌کرد. اگر چه شاید نتوان مقدمات فرضیه فوق را رد کرد، اما باید دید که هزینه-فایده‌ای که رهبر انقلاب در تصمیم برای حمایت از مصوبه سران قوا، انجام داده‌اند چه بوده است؟

در پاسخ باید گفت وقتی رهبر انقلاب به محتوای طرح مصوب هیچ ورودی نمی‌کنند و هیچ قضایوتی مبنی بر حسن و قبح آن انجام نمی‌دهند و با این حال می‌گوینداز مصوبه سران قوا حمایت می‌کنم، در واقع با این تصمیم خود، به ساختارهای قانونی و رسمی کشور تکیه کر ده‌اند. یعنی اگر چه ممکن بود نوع طرح مدیریت مصرف سوخت از نسوی رهبر انقلاب، از برخی مضرات احتمالی جلوگیری می‌کرد، اما گویا رهبر انقلاب، با تن دادن به این ضرر محتمل، از تحمیل ضرری بزرگ‌تر به ملت جلوگیری کرده‌اند. خسارت بزرگی بنام بی‌اعتبار شدن ساختارهای قانونی کشور و نهاد‌های برآمده از رأی مردم، مطابق این هزینه- فایده، ضرر ناپذیرد. گرفتن ساختارهای قانونی کشور، اقتدر بالست که رهبر انقلاب حاضر می‌شوند انتقادهای احتمالی ناشی از حمایت از مصوبه سران قوا را نیز به جان بخرند. هر اندازه به حداقل رساندن ضررهای احتمالی یک طرح اقتصادی، امری محتمل است، سخنران تبعات حاصل از بی‌اعتبار شدن نهادها و ساختارهای قانونی کشور، سخت و حتی ناممکن است، چرا که نتیجه چنین وضعیتی، خنده‌دار شدن امنیت کشور است.

اعتراض را به رسمیت بشناسید
به عنوان نکته یابانی اینکه دولت و مجموعه دستگاه‌های اجرایی کشور باید برای هر طرح و مسئله‌ای که با زندگی مردم از تباط مستقیم دارد و اقتصاد آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بیوست فرهنگ و تبلیغی در جهت اقتضای افکار عمومی داشته باشند و با ایجاد اجماع نخبگانی پشتوانه علمی و عمومی خود را تقویت کنند. مسئله‌ای که کشور حمایت می‌کنم» پیچ و مهره‌های طرحی را که در روز شنبه، در راستا و به به‌شل شدن نهاده بود، سفت کردند. شاید این برخلاف تصویری بود که در افکار عمومی وجود داشت.

چرایی حمایت رهبری از طرح

در گزارشی که خبرگزاری فارس در این زمینه نوشته آمده است: احتمالاً تصور رایج این بود که رهبر انقلاب با اظهار نظر علیه طرحی که صدای



راهپیمایی خودجوش مردم تبریز در محکومت اقدامات خرابکارانه اشراز

وحید میدی افراس

امریکا حیا کن توطنه را رها کن»، اقدام آشوبگران در تبریزگران در تخریب و آسیب به اموال عمومی را محکوم کردند و خواستار بر خودر با فتنه‌گران شدند.

حجت‌الاسلام آل هاشم، نماینده ولی فقیه در آذربایجان شرقی که سخنران این راهپیمایی بود، ضمن محکومت اقدام آشوبگران و انحراف تجمع مسالمت‌آمیز مردمی گفت: افرادی‌به‌میان‌تجمع‌ات مسالمت‌آمیز مردمی که به خاطر دلخوری و نگرانی بود، بایدند و عبرت‌انگیز است؛ به‌بار آمدن عده‌انجیدی و غبار آلودگی فضا افزود که البته بی‌عملی دولت در اتخاذ این واکنش‌هایی تأثیر نبود.

غیبت رسانه‌ای این سکوت دولت و رئیس‌جمهور به یو با تأکید بر اینکه باید صف مردم دلخور و نگران از قیمت‌ها از صف افرادی که به اموال مردم، بسپج و نیروی انتظامی آسیب زدند جدا شود، تصریح کرد؛ ما هشدار خود را به مزدوران و جیره‌خواران می‌رساند، است و عبرت‌انگیز است؛ مردم کشور خط قرمز آذربایجان یعنی سرایران است. نماینده ولی فقیه در استان آذربایجان شرقی افزود: فتنه‌گران و کارفرمایان پشت پرده، بارها ملت قیصرمان را خط قرمز مردم آذربایجان دانستند و آزمون خطاست.

درس‌ها و عبرت‌های یک طرح

چگونگی مواجهه مردم و مسئولان با این طرح نیز درس آموز و عبرت‌انگیز است. در مواجهه با این رویداد، در سطح جامعه عده‌ای از مردم ترجیح دادند در انتظار روزهای آینده و توضیحات مسئولان

در دیدار فرمانده ارتش پاکستان با رئیس‌جمهور عنوان شد

تأکید ایران و پاکستان بر رفع موانع روابط اقتصادی

تجارت و روابط اقتصادی و رسیدن به جایگاه مطلوب در این عرصه با رفع موانع موجود، فراهم کنند.

رئیس‌جمهور خاطر نشان کرد: جمهوری اسلامی ایران خط لوله صلح را از مرز پاکستان رسانده است و کاملاً آمادگی داریم در این زمینه همکاری‌های خود را به نتیجه برسانیم.

همچنین آمادگی داریم تمهیداتی فراهم کنیم که شرکت‌ها و تاجار دو کشور بتوانند روابط گسترده‌تری با یکدیگر داشته باشند.

رئیس‌جمهور در بخش دیگری از سخنان خود ضرورت توجه به امنیت مرزهای دو کشور را مورد تأکید قرار داد و گفت: خوشبختانه شاهد تحولات مثبتی در این زمینه هستیم و اطمینان داریم با اراده‌ای که در دو طرف وجود دارد به

شبکه عجیبیه. تصور کنتین بیست سی نفر آدم جمع کرد، شبکه‌با همون برنامه می‌سازه، با همون‌تاک‌شوم تاره، با همون تحلیل سیاسی می‌کنه، همون‌ا قاصن، همون‌ا شیرزن، همون‌ا تهبش از دواج هم می‌کنن با هم»

عمده فعالیت سیاسی این شبکه هم آرم‌نمایش سازی از ایران زمان پهلوی و لوگدی پیرامون مسئولان پس از انقلاب است که منجر به تولید برنامه‌های ضعیف، سطحی و مبتذل شده است. میزان برگشت سرمایه و در آمد این شبکه هم نشانی بر سطح برنامه‌هاست.

ترکان روحانی نباید سال ۹۲ سه‌می‌بندنی

بنزین را متوقف می‌کرد

اکبر ترکان، مشاور سابق رئیس‌جمهور در مصاحبه با روزنامه اعتماد گفته که «به نظر من آقای روحانی باید این کارنامه

ایدام‌ها

کبری آسویار

خواست امریکار ا دیدید!؟

همین هفته پیش، سه چهار روزی قبل از آنکه تصمیم دولت برای سه‌می‌بندی و افزایش قیمت بنزین اجرایی شود، رئیس‌جمهور در سفر به یزد با چند شاعر اعتراضی روبه‌رو شد. معترضان زیاد نبودند و شعارها هم نه تند بود و نه توهمین آمیز. آنان فقط با چند جمله ساده اعتراض خود را به اوضاع اقتصادی ابراز کردند و تقصیر آنان نبود که گرانی و روحانی با یکدیگر هم قافیه شده‌اند و فریاد آنان موزون شد که «تورم، گرانی / جواب بده روحانی»، روحانی با این صدای اعتراض که فقط صدا بود و دیگر هیچ، چه کرد؟ او آنان را به اسلام دعوت کردا گویی که مسلمان نبوده‌اند فقط برای آنکه منتقد و معترض روحانی بودند. روحانی حتی به همین قدر هم بسنده نکرد، گویا نگران از گیری دو گروه حامیان و مخالفانش هم نبود و از دوقطبی سازی هم ترسید؛ حامیش را مردم نامید و صف منتقدان را از این «مردم» جدا کرد و لایذ از گم شدن صدای شعارهای اعتراض در شورسوت و کف حامیشان ذوق کرد و شعارها را خواست امریکا نامید که از حنجره عده‌ای معذوب بیرون آمده‌است! تعدادی از خواص حامی روحانی، از جمله پرتوانه مافی (نماینده مجلس) و حسین مرعشی (سخنگوی حزب کارگزاران سازندگی) حتی خواستار بر خورد قضایی با معترضان شدند! چهار تا شاعر و این همه بی‌تحملی؟!

در همه شش سال گذشته تاکنون که کرسی ریاست جمهوری کشور در اختیار حسن روحانی است، از این بی صبری‌ها در برابر شنیدن صدای منتقدان و معترضان زیاد دیده‌ام و دولت از همه ابزارهایی که توانسته در اختیار بگیرد، برای بستن دهان منتقدان بهره برد. ادعای حقوق دانی کرد و به وقتش آویزان ستاره‌های روی دوش سرهنگ‌ها شد تا رسانه‌هایی را که از آنان حرف شنوی دارند، با تماس‌های پشت سر کم محدود کند. یک روز نزد بزرگ‌ترفت و شکایت رسانه‌های منتقد را کرد و روز دیگری با خبرنگار و رسانه را به داد‌گناه کشاند. یک روز آنها را صدای امریکا نامید و دیگر روز، همونو با اسرائیل. به دانشگاه رفت و سخنرانی کرد، اما به دانشجو اجازه صحبت نداد؛ به کارخانه رفت و از ماشین خود پیاده نشد تا حرف کارگر را بشنود. هر جا تجمع اعتراضی صغفی بود، کسی از دولت حاضر نشد به جمع معترضان برود و صدای آنان را بشنوند و هم‌زمان صدای تریبون‌های سخنرانی‌های یک طرفه اهل دولت بلند بود که «باید صدای اعتراض مردم را شنید»

چه روزهای متعددی که کارگران حقوق نگرفه در جمع اعتراضی بودند و صدای اعتراض به خصوصی سازی‌ها و توزیع ارزهای رانتی و غلط را دولت نشنید یا صدای تندرها و خودسران و چه و چه نامید. اقلیت، کودک، کم عقل، کم سواد، بی شناسنامه، تезде به شونده از جای خاص، دروغگو، هوجی باز، بیگار، متوهم، اقلیت تندرو، هراسان و ترسو، بزذلان سیاسی، افراطی، تازه به دوران رسیده، بددل و کف الفاظ زشت و دور از شان دیگر، نگاهی بود که روحانی به منتقدانش داشت و دارد و دهان منتقد را بسته و قلم معترض را شکسته خواست. اما آیا واقاً و دهان منتقد را بسته و قلم معترض را شکسته است؟ اما این جنس خواسته آنان می‌تواند همین صدا و شعار و قلم و نوشته باشد؟!

این روزهای ایران، روزهای فشنگی نیست؛ به بهانه یک تصمیم بنزینی، آشوب‌بران می‌خواهند راه نفس ملت را ببندند. اعتراض نیست، آشوب است، انتقاد نیست، اغتشاش است، صدا و شعار نیست، آتش و گلوله است؛ آشوبی سازمان یافته و سیاسی که باقتل و غارت پیش می‌رود و از دهها هزار کیلومتر آن سوتر، وزارت خارجه امریکا برای‌شان پیام حمایت و همکاری می‌فرستد. صدای معذوب و خواست امریکا همین‌هاست، نه‌آن شعارهای نجیب و مشورت‌هایی استوار و شعارهایی محبوب‌اندازنده آشوب دشمن شان کد، کاش رئیس‌جمهور و دولت‌مرد دانش دقیق تر نگاه کنند و ببینند جنس خواسته امریکا چیست و چگونه می‌خواهد خشک تر را با هم بسوزاند و بعد تلاش کنند با معترضان و مستعدانی که جز قلم‌های نجیب و مشورت‌هایی استوار و شعارهایی محبوب‌اندازنده مهربان‌تر و بلکه حداقل اخلاقی‌تر بر خودر کنند. ما منتقدان نجیبی برای دولت روحانی بودیم، نه انتخابتی‌را به هم زدیم، نه آشوبی به پا کردیم، و مقابل ضدانقلاب هم کنار همین دولت ایستاده‌ام؛ خواست امریکا ما نبود که از روحانی، خواست امریکا نبود که از روحانی و از روحانی می‌خواهد به جان کشور بیفتد و البته نخواهیم گذاشت و این روزها به زودی می‌گذرد؛ فقط شما تفاوت‌ها را بنگرید و ببینید همه این شش سال گذشته معترضان و منتقدان مدنی خود را ادرس غلط «خواست امریکا» و «خواست آقای روحانی» به برهانه ترور شخصیت بردید و خلاص‌واست واقعی امریکا جلوی چشم‌تان است‌آن حجم از تندیی و بی‌اخلاقی را خرج دوتا شعار و چهار تایتیر نکنید، خواست امریکا همین است.

مقاله

خصایص یک آشوب

ادامه از صفحه یک

۷- نوع رفتار آشوبگران در سراسر کشور از یک مدل خاص پیروی می‌کرد، خشن، بدون شعار و بدون مطالبه و همراه داشتن ابزار تخریب با گروه‌های کوچک تخریبگر.

۸- در برخی مناطق مانند خیابان پیروزی و یکی از استان‌ها تعدادی اعتراضی خارج‌گی کشور همسایه نیز در آتش زدن بانک‌ها نقش داشته‌اند یا در جاده پردیس فیروزکوه برخی از عوامل یک حزب مسلح جانیی طلب

۹- حمایت جریان امریکا از اغتشاش - پس از تحریم حدانکتری همین مردم - نیز از ویژگی‌های این اغتشاشات بود. گرچه این نوع حمایت‌ها امر تازه‌ای نبود.

۱۰- تلفات انسانی نیروهای نظامی و انتظامی نشان می‌دهد که قمه و سلاح مردم مورد استفاده جدی آشوبگران بوده‌است و مشاهده نمونه‌های آن در شهرهای اطراف کرج و خوزستان قطعی است.

۱۱- جریان نفاق و سلطنت‌طلب‌ها اگرچه به جهت انسانی محدود هستند اما در تبدیل اعتراض به آشوب نقش دارند. آنان به خودی خود فادانگه پایگاه اجتماعی هستند و همیشه بستر آماده را فرصتی برای جدایی معترضان از آشوب و تا کلمی در هدف نهایی شد.

۱۲- برای زنان کار ویژه تعریف شده بود. هم در حمله به مراکز بسیج خواهران و هم در تهییج جوانان نقش اساسی داشتند. گرچه در تلفات انسانی کشته ندادند اما سبک به کارگیری زنان مشابه مانورهای زتانه سازمان نفاق است.

اینکه آشوب بر اعتراض غلبه کرد، به معنی عدم نگرانی، نازاحتی و اعتراض بخش‌هایی از مردم نیست. دولت باید جزئی‌تر به سه‌می‌ها وارد شود. معلمی که با خودوروی خود به روستا می‌رود، فرد یکبارگی که تفننی مسافرتی می‌کند و در آمد دیگری ندارد و… باید مورد توجه قرار گیرد و از همه مه‌م‌تر دولت باید برای این کار، سخنگوی ویژه قرار دهد تا هم محلی برای شنیدن اعتراض‌ها و پاسخگویی باشد و هم کسانی که از ۶۰ میلیون نفر جفا افتاده‌اند، بتوانند هر چه زودتر به حق خود برسند.

اتاق فکرهای دولت و حاکمیت باید دو نکته مهم را در دستور کار قرار دهند: اول: هیچ طرح ملی را که با منفعت عمومی گره خورده است، بدون توجیه و به میزان عمل نیاورند. دوم: طرحی راهگشا و کاربردی برای پیشگیری از آمیختگی اعتراض و آشوب ارائه کنند که هر اعتراض‌کننده‌ای قواعد آن را بداند و هنگام نیاز نیز در آن قالب عمل نماید. سرعت تشکیل حرکت اعتراضی باید در ذهنیت اجتماعی محتمل باشد و «رواژساز اعتراض» را در دسترس بداندند تا دشمنان میانه‌اندر انحراف اعتراض نشوند.

^[1] همه را در آورده است، هم مانع گرانی سه برابری بنزین می

^[2] همه را در آورده است، هم مانع گرانی سه برابری بنزین می